



سخن نخست

نومیلیون افغان نان ندارند

با آب ما ایران و پاکستان زراعت می کنند؟!

به مناسبت از روز جهانی غذا مطالبی چندی را باید در رابطه با بی غذایی مردم خویش با دوستان دولتی و غیردولتی و داخلی و خارجی دوست و دشمن مطرح نماییم.

اول اینکه کشور ما واسطه شدید به زراعت و آب است. البته این دوموضوع را بخاطر در کنار هم قرار دادیم چون زراعت ما وابستگی شدیدی به مدیریت آب دارد و دوزارخانه آب و برق و زراعت تصمیم گیری های مشترکی داشته باشند.

سه دهه جنگ و ناامنی باعث شد که ما از مدیریت خوبی برخوردار نباشیم و اصلاح مشغول جنگ های داخلی و یا جهاد و مقاومت باشیم و به گفته شاعر بنشینیم به لب جوی و گذر آب بنشینیم. گذر آب در باهای بزرگ کشور که یا در ریگ زارها جذب می شود. یا به کشور ایران و پاکستان می رود و یا اینکه از آن درست استفاده نمی شود.

اما حالا زمان آن رسیده است که وزیر آب و برق و زراعت با هم صحبتی داشته باشند به فکری که حال نومیلیون افغانی که زیر خط فقر زندگی می کنند بکنند.

گرچه همه می دانند که دو جمع دو چهار میشود. اما این مسئله را باید وزیر با حجابان ما بدانند و دیگر چشم های بیای خود را بیشتر باز کنند و به گفته ایرانی ها چهار چشمه به آب فراوان کشور ببینند و مدیریت خوب را یاد بگیرند و از آب فراوان کشور که از نفت ایران با ارزش تر است استفاده درست کنند و تمام سرمایه های خود را در رفع این مشکل و ایجاد بند های آب گردان و هدایت آب به سوی دشت های خشک و ترکیده این سرزمین خرج کنند و نگذارند آب ما باعث آبادی کشورهای شود که هر روز برای ما اسلحه و گلوله و خمپاره می فرستد.

نم ندهی به کشت خود آب به دیگران دهی

بلی! بگذار زمین های خشکیده و ترکیده این سرزمین نمی از آب کوه های پامیر و بابا و پغمان بخورد و ما دیگر شاهدگر سنگی مردم خود نباشیم جالب اینجاست که همین مسئولین اعلام کردند که اگر مدیریت آب ها روی دست قرار گیرد ما میتوانیم یک میلیارد انسان را نان بدهیم و دیگر شاهد سرازیر شدن آرد سیاه و غیر قابل مصرف قزاقستان و پاکستان نباشیم. در مسیرو همین دریاهای می توانیم ده ها هزار فارم ماهی ایجاد نماییم و هزاران تن ماهی پرورش دهیم و در مسیر این رودخانه ها و دریا ها دیگر آتار سوء تغذیه را نبینیم.

چندی قبل سفری داشتیم به صفحات شمال کشور سالنگ، پلخمیری، بغلان، کندوز، تخار و ولسوالی های اوتا جا آب و نورابه و...

حدود ده ساعت تبه های تخرار را می نگریم اما در بیخ از یک تبه سبز تاجایی که چشم یاری می کرد زمین تشنه را می دیدید و تا دور دستان چیزی به نام کشاورزی و زراعت نمیدیدید.

اما برعکس وقتی از کنار دریای پنج و آمو می گذشتیم و به کشور همسایه که نه چندان دورتر از ما قرار داشت نگاه می کردیم درختان سر بلند و سبزی زیادی به چشم میخورد.

هیچ نفهمیدیم هر دو کشور از یک دریا و یک رودخانه استفاده می کردند در این طرف تا چشم کاری کرد خشک و زمین بی حاصل می دیدید و در آن طرف تا بلند ترین تبه های آن با واتر بمب ها آب باری میشد.

اما این دریای خروشان پنج و آمو که با شدت تمام و قدرت تمام در حرکت بود تمام زور خود را بخرچ می داد تا هر روز زمین های ما را با خود ببرد و کناره ها را تخریب نماید و مرزهای تاجکستان را بزرگ تر نماید و ترس ما از این است که این مرز ها تا بغلان نرسد.

در آن سو آمو و دریای پنج دیوارهای استادی و سنگ کاری های محکم چون سرباز رشید از مرزهای کشورشان دفاع می کرد و در این طرف خاک سست و آسیب پذیر در آب فرو می رفت و با هر جلیه آب چند سانت بسوی کشور ما می خزید.

این هیولای بزرگ کشور ما را می بلعید و هر روز دهکده بی را که دیروز نفس می کشید از تپش بازمی داشت، بهر صورت برای رهایی از گرسنگی و سیر کردن این ملت قهرمان تنها یک راه وجود دارد که حتی یک قطره آب ما هدر نرود و حتی یک لیتر آب کشور ما به حلقوم دشمنان نریزد. اگر فرزند این ملت هستید، مادران کشور تانرا دوست بدارید و به مادر خود خیانت نکنید.

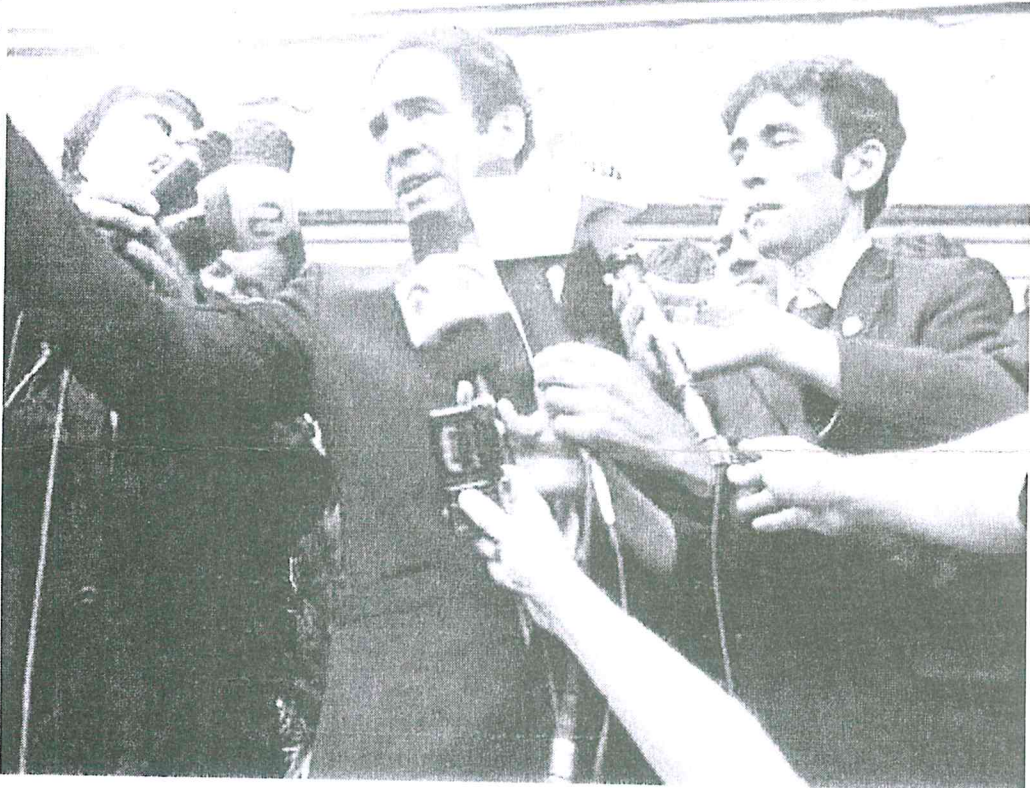
فلم هنری مدرسه غوغای جهانی کرد

ایران خواست جلومدرسه را بگیرد اما مدرسه فراتر از مرزها رفت!!

خلوتی

جمهوری اسلامی (کدام اسلام) و محرومیت کودکان افغان را به تصویر کشید و با استفاده از هنر هفتم که هفت باردنبار می لرزاند و حتی

فلم هشتاد و پنج دقیقه ای مدرسه که افغان ها سالها انتظار آنرا می کشیدند بالاخره توسط فلم ساز مشهور کشور و شیر مرد افغان اسد سکندر ساخته



شد.

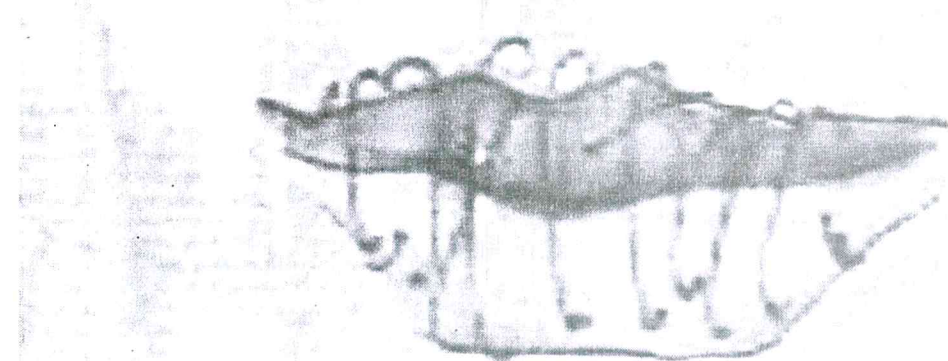
این فلم برعکس فلم های دیگر دیشوم دیشوم و اکشن نبود، فلم عشق و عاشقی هم نبود، فلم

اسلام تقلبی همسایه را بر ملا می سازد.

یک سوژه که سی سال افغان های مهاجر را رنج داد و سی سال در انتظار انتشار این مسئله بودند و

آنها با گوشت و خون اسخوان احساس می کنند.

ای کاش بدانید که سکندر با چه مهارتی این تصویر برداری را انجام داده است و زیبایی و



سی سال میخواستند که صدای آنها در تمام جهان طنین انداز شود و مردم بدانند که اولاد شما با وجود حکم صریح قرآن و سنت نمی توانند درس بخوانند.

سیاسی هم نبود اما در این فلم چه چیزی نهفته بود که تهران را لرزاند و تمام تبلیغات عالم و رسانه های همگانی جهان را بخود جلب کرد. اسد سکندر کارگردان این فلم این بار ظلم

جذابی فلم در آن است که پدر به جرم اعتراض به بقیه در صفحه سوم

زندان می رود و مورد شکنجه دولت اسلام نما قرار می گیرد.

اولین آیه شریف که خداوند نازل کرد کلمه زیبای "اقره" بود بخوان ولی دولت اسلام نمای ایران به صدای قرآن که همان کلمه "اقره" بود لبیت نگفت و فرزندان مهاجر را از درس محروم کرد.

در این ارتباط بخشنامه صادر کرد و میلیون ها افغان جای درس و تعلیم معتاد برگشتند به دستان کوچک آنها در و یاهای شمال و ولایات دیگر نیچه نازکی را دادند که دود تریاک و هیرو هین را تنفس کنند.

کشور اسلام نمای ایران می دانست که اگر فرزند افغان با سواد شود و احکام دینی و علوم ساینسی را بیاموزد دیگر تنگ به دست نمی گیرد و مردم سرزمین خود را نمی کشد.

آنها به همین دلیل تاریکی را به فرزندان ما تهنه دادند و همه فرزندان ما از حقوق اسلامی خود محروم شدند و هر روز پدران در شعبه "اتباع بیگانه" می گریستند تا فرزندشان مدرسه رود!!

سکندر زمان با هنر هفتم این صحنه رقت انگیز را به تصویر کشید و کودکی را به نمایش گذاشت که در مدرسه با خشونت تمام کشیده میشود.

مظلومیت کودک و تصویر برداری از آن آنقدر جذاب و جالب بود که هر کودک مهاجر افغان و هر خانواده افغان

شعر کوتاه، شعر زمان

(سید داود یعقوبی)

سرانجام عقر به ساعت به زمان مو عود نزدیک شدو شاعری در تاریکی شب در حالیکه چراغ مطالعه اش را روشن کرده بود؟! پس از ساعت ها تفکر و اندیشه در حالیکه کله ملاق روی دودست خود ایستاده بود بر عکس نشست و قلمش را برداشت و شعر کوتاه زمان را نوشت:

شعر کوتاه ، شعر زمان

گره خورده است ، شعر کوتاه

با لچ بازی زمان

می ترسم از لنگی دراز

و انتحار لحظه ها

که با انفجارش زمان متوقف می شود ...

فردای آن روز شاعرناشناس در حالیکه بر پایسکیل کهنه نشسته بود شعرش را به دفتر آینه روز آورد و خوشبختانه که مدیر مسئول و گروه ادبی نشریه حضور بهم رسانیده بودند و شعرش را به بحث گذاشتند.

جالب اینجاست که به آسانی توانستند ابعاد روشن و تاریک شعرش را کشف کنند و این کشف آسان تر از کشف کروییت زمین گالیله و کشف آمریکای کریستف کولمب نبود ، بعد از آن بلافاصله آنرا در ستون مخصوص زمان قرار دادند.

از آنجا که درک برخی ویژه گی ها و واژه های این شعرواهمیت آن در تاریخ شعرشناسی سنتی ، معاصر ، نو ، سپید و سیاه ، کوتاه و دراز و نیمایی و غیرنیمایی قابل بحث و بررسی به نظر میرسد گروه ادبی آینه توجه شما را به نکات مهم شعری بخصوص در تشریح و باز شناختی این شعر جلب می کند .

در این شعر معلوم نیست که زمان با چه چیزی لچ بازی کرده است البته اطلاعاتی که شاعر در این باره در اختیار ما قرار داده است زیاد نیست و ما می دانیم که آن چیز نیست که عرضی از طولش بیشتر است .

اما دامنه شعر کوتاه و دراز ، زمان کوتاه و دراز گسترده است و بحث های زیادی را می طلبد .

بحث زمان نیز خیلی پیچیده است و ما در صورت ابتکار می توانیم زمان را متوقف کنیم و ساعت های سرمیزی و دستی و دیواری را به زمین بنیمیم تا دیگر قلب آنها از حرکت باز افتد و یا دیگر ضربان قلبش نزند و زمان متوقف شود .

احتمال دارد بتوان گفت که اصولاً زمان با تمام چیزهای دراز لچ بازی کرده است و ما نباید با محدود کردن واژه دراز به یک شیء آن را در چارچوب های تنگ چپ و راست ، افراطی و غیرافراطی و یا ثروپرست و غیر ثروپرست درآوریم .

متأسفانه شاعر درباره اینکه نظر خودش درباره دراز چیست اظهار نظری قاطع و لو کوتاه نکرده است !!

در نگاه دقیق به این شعر کوتاه متوجه می شویم که شاعر با شعر دراز لچ بازی کرده است و به وسیله این شعر کوتاه خواسته است که شعرای بزرگی چون مولانا جلال الدین بلخی ، دقیقی و سنایی و ... بقیه شاعران درازگو را متوجه یک نکته ظریف نماید که حتی با یک شعر کوتاه زمان میتوان عالم را تکان داد !!

شاعر فکرمی کند که اگر جای چند شعر بلند ، شعرهای کوتاه سروده شود طبعاً چندین بار جهان تکان خواهد خورد و بدین صورت یک انقلاب بزرگ را در جهان شعر بوجود آورد و یا باعث زمین لرزه

آن نمی رسد و چنین زمین لرزه بزرگی به میان نمی آمد و جهان از انفجار تبلیغاتی آن با خبر نمی شد و حیثیت کاکا بوش و کاکاسیاه در جهان از بین نمی رفت .

احتمال دارد که شاعر با مطرح کردن صورت مسئله با توجه به اهمیت پدیده صلح و آشتی ، پخلانیه ، همزیستی مسالمت آمیز ، آشتی ملی و صلح و دوستی و در آخر گفتگوی تمدن ها که هیچ نتیجه خوبی ندارد در صدد باشد که میانجی گری کنند و یا با تشکیل شورای صلح که نتایجش از اول معلوم بود دراز و کوتاه را با هم آشتی دهند تا بعد از آشتی هر کدام به راه خود روند و جایگاه خویش را در این دنیا و آن دنیا بیابند .

البته از این که تلاش شاعر در این زمینه درجه مرحله یی است ، متأسفانه تا چاپ این شعر خبر تازه بدست ما نیامده است .

حالا باید پرسید که آیا ابعاد و فوائد صلح ، دوستی ، اتحاد ، با همی ، رفاقت ، همدلی و وفای ملی پر شما پوشیده است ؟

آیا نمی دانید که دو پدیده متضاد همدیگر را جذب نمی کند ؟

انفجار اخیر نشان داد که دو پدیده متضاد ، سیاه و سفید ، دراز و کوتاه و شب و روز همدیگر را دفع می کنند و در صورت تفاهم و همدلی انفجار بزرگ و زمین لرزه و حتی پس لرزه های بزرگی روی خواهد داد .

شاعر در چند کلمه کوتاه خواسته است احساسات و نظریات درونی



خویش را تبارز دهد و کشفی جدیدی داشته باشد از زمان ، دراز و کوتاه و حتی متوقف ساختن زمان و در آخرین تحلیل انتحار لحظه ها ... و می خواهد به همه بازگو کند که در قدم اول از هر چیز دراز باید ترسید "از شرش پياز ... " به همین دلیل می خواهد حرکت های ما کوتاه و مفید و ارزش مند و قابل قبول باشد .

طور مثال : تقریباً دهه جنگ داخلی نتوانستیم کوتاه و دراز را آشتی دهیم و اصلاً از زمان هابیل و قابیل تا حالا این دو پدیده متضاد با هم آشتی نکرده اند و از معنای پخلانیه درک درست نداشته اند .

این دو نه تنها با یک دیگر لچ می کنند بلکه با زمان هم سر سازگاری ندارند .

شاعر در آخر شعرش گفته است می ترسم از لنگی دراز و انفجار لحظه ها " و بدین طریق خواسته است به خواننده گان ما یک مسئله را ثابت سازد که تنها راه حل انفجار زمان است تا دیگر قلب هیچ ساعتی نطبد و زمان متوقف شود و بعد از این دیگر هیچ درازی نتواند انفجار بعدی را سازمان دهی کند .

اما در مورد انتحار لحظه ها به نظر متفاوت دارد و می خواهد بگوید که ما باید ارزش لحظه های گرانبها را بدانیم و بدانیم که "وقت لکه سره زردی " وقت تلاست و لحظه ها خیلی با اهمیت است و به همین دلیل است که غربی ها از لحظه ها بهر استفاده میکنند و نمی گذارند که انتحاری در لحظه ها صورت گیرد و از همین لحظه ها که خیلی

کوتاه هستند استفاده دراز و بزرگ را می کنند و مدیریت خود را مدیریت لحظه ها می نامند .

طور مثال : شاید یک لحظه قبل

دالر ۴۵ افغانی باشد اما لحظه

های بعدی ۵۰ افغانی می شود ،

شاید یک لحظه قبل برج های

دوگانگی سر جای شان باشد اما

لحظه یی بعد کله ملاق می شود

و یا لحظه قبل اتحاد شوروی

در اتحاد و همدلی و وحدت

بسر بردو لحظه بعد فروپاشد .

بهر صورت در آخرین تحلیل

شاعر می خواهد بگوید که

همانطور که شعر کوتاه و دراز

با هم سازگاری ندارند و با

همدیگر صلح نمی کنند و

دو قطب متضاد اند و حتی خود

شاعر هم هیچ گاهی

نمی خواهد چون مولوی ،

عنصری و دقیقی دراز گوی

قصیده سرا ، غزل سرا و شاهنامه سرا باشد .

شاعر می خواهد ما یک راه را

انتخاب کنیم کوتاه ، مفید و قابل

قبول و منتظر انتحار لحظه ها نباشیم

و از لحظه ها بهترین استفاده را

بکنیم .

از همین لحظه های سرنوشت ساز ،

اوب این پیام کوتاه خود می خواهد

بگوید که کوتاه ترین فاصله بین

دو نقطه را خط مستقیم گویند نه

چپ و راست و افراطی و غیر

افراطی ...

او حتی راه طولانی و پر خم و پیچ را

دوست ندارد و به همین دلیل از

شعر کوتاه ، راه کوتاه و زمان کوتاه

می خواهد استفاده اعظمی نماید .

اما شاعران دراز گوی میگویند :

تشویش مکن مگوراه پر خم و پیچ است

کین جاده هموار همش در خم و پیچ است

در جاده هموار دیدن هنرش چیست

مردانه دویدن هنرش در خم و پیچ است

تخیر اصلاً خم و پیچ باعث سردرگمی انسان می شود و جاده پر خم و پیچ باعث تصادم نه تنها مو ترها بلکه تصادم اندیشه ها و ایدالوژی ها و برخورد تمدن ها می شود .

اما واژه مقدس انفجار در سه دهه جنگ و خونریزی ارزش خاص خود را یافت و اندیشمندانی که تخصص کامل در قسمت انفجار داشتند دست به ابتکارات تازه زدند و بدین طریق در این زمینه انکشافاتی رخ داد .

در تاریخ معاصر خاور میانه و آسیا برای اولین بار واژه انفجار نور به میان آمد . این انفجار از نوع انفجارهای نوین بود که نور آن چشم همسایگان و منطقه را اذیت می کند و به همین دلیل جامعه جهانی و مردم منطقه میگویند که چراغ فول (با روشنی زیاد) به درد نمی خورد و این نور باید تحمل پذیر باشد و دیگران را نسوزاند و حتی ده ها میلیون ایرانی نیز با صدای بلند می گویند که سوختیم ، نور شما زیاد است و پروانه نیستیم که بسوزیم !!

بهر صورت بعد از این انفجار کمره و انفجار واسکت و انفجار لنگی کشف شد که حتی گالیله و کریستوف کلمب در خواب از این کشفیات چیزی نمی دانستند و حالا در هر گوشه کوچه ها و پس کوچه های غرب و شرق انواع انفجار کشف می شود و مردم هراسان به آن می نگرند .

اما در طول جنگ دوم جهانی نیز انفجار طیاره وجود داشت و آن زمان جاپانی ها طیاره های خود را به برج های دوگانه نمی زدند بلکه به کشتی های نظامی آمریکا می زدند و تمام کشتی را با نظامیانش نابود می کردند .

برای جلوگیری از این حرکت های ناجوانمردانه جاپانی ها اتم کشف کردند و جوانمردان آمریکایی ناگاساکی و



یوریشیما را با اتم انفجار دادند که یاد و خاطره و سالروز این جوانمردی و شهامت تا حالا در تمام جهان بشکل یاد بود می شود .

ما نیز کین روز بزرگ را که در تاریخ بشریت اهمیت دارد گرمی می داریم و از جوانمردان آن زمان که با انفجارشان دنیا را لرزاندند استقبال می کنیم .

اما پربیننده ترین انفجار در جهان پرتاب بوت بود که باعث انفجار خبری و یا هیاهوی تبلیغاتی رسانه های جهان شد که این انفجاری نظیر و در نوع خود بی رقیب بود و ارزش بوت یکصد افغانی که خبرنگار را به چند میلیون دالر ساخت گرچه لازم نبود در مورد انفجار که مردم از آن نفرت دارند به این اندازه صحبت کنیم اما بعضی ها فکرمی کنند که انفجار ضرورت زمان است و با انفجار حتی پوز دشمن صیهو نیست را به خاک می مالند و یهود را وادار به عقب نشینی می کنند و با کشف انفجارات هیدروژنی و اتمی میتوانند به خواسته های خود برسند .

اما آخرین انفجاری که از آن صحبت شده است انفجار زمان است که با این انفجار زمان توقف می کند گرچه علمای معاصر و غیرمعاصر و حتی اندیشمندان پست مدرن نیز از کشف انفجاری که زمان را بتواند متوقف سازد بی اطلاع اند و می گویند که چنین بمب و واسکت و لنگی ساخته نشده است که بتواند زمان را متوقف سازد .

اما وابستگی زمان با انفجار و وابستگی انفجار به عقب نشینی از سیاست های جهانی زیاد است و تعدادی فکر می کنند که حتی یهود و غیر و ترسا با این انفجارات بعدی بیت المقدس را رها خواهند کرد .

شاید انفجار راه حل مناسب نباشد و اصلاً انقلاب سنگ ، و انقلاب گولک راه حل مناسب تری باشد .

چون شعر شاعر در بطن شاعر است و همه می دانیم که در بطن شاعر غیر از شعر چه مرداری های دیگر است ، پس باید به داخل خم و پیچ ها و روده های شاعر رفت و در هفت کوچه بطن شاعر گشت تا معنی اصلی و واقعی را درک کرد .

بلی درک اصلی مفاهیم و واژه ها کاری است بس دشوار و سترگ و به همین دلیل شاعر در مورد شعرش چیزی نگفته است و خواسته است منطق ما را آزمایش نماید و بداند که چگونه از شعرش تحلیل می کنیم و چگونه معنی واژه ها را که آسمان را با ریسمان بافته است درک می نماییم .

پس دوستان عزیز : اگر درک درستی از شعر شاعر داشتید با مقالات خویش ما را شاد سازید تا از یک طرف شاعر جهانی شود و از طرف دیگر در حوزه شعرشناسی ، نقد و بررسی هم جایگاه خود را بیابد .



فلم هنری مدرسه غوغای...

این شکنجه نیز برای همه افغان ها آشناست و هشت میلیون افغان از این شکنجه بهره مند شده اند.

هر تصویر و هر حرکت هنرمندان یک واقعیت زنده گی مهاجرین را بازسازی می کند و گام به گام بیننده گان با فلم پیش میروند و خود را در آن می یابند و خاطرات دوران مهاجرت را به یاد می آورند.

سکندر فلم و شخصی سکندر می خواهد فلم را به نمایش بگذارد و سفارت فرانسه و وایت ستار (ستاره سفید) انستتوت فرانسه و سکندر فلم مهمانان را دعوت می کنند.

اما گیلدا شاهوردی مسئول انستتوت فرانسه می گوید که از طرف سفارت ایران و افغان فلم (باید ایران فلم و نوکران ایران بگویم) گفته می شود که پخش این فلم ممنوع است و هیچ کسی را اجازه ندهید که داخل تالار شود.

جالب است که ایران در کابل دستور میدهد قبلا نیز این حرکت های خزنده و پلید از طرف سفیر ایران صورت گرفته بود و این بار نیز تکرار شد و نوکران این کشور بدون اینکه بگویند که این

فرهنگ و تمدن هستیم و شاید این تمدن و فرهنگ باعث شود که روزی ایران بر روی ما لبخند زند. اما نه!

در یک ساعت فتح می کنند و به سر بازان عراقی و مردم عراق توهین می شود و در کشور ما نمایش داده میشود بدون اینکه دولت و وزارت خارجه ما متوجه یک نکته شوند که ما با کشورهای عربی بیشتر از ایران پیوند داریم و در هر شرایطی آنها با ما کمک خواهند کرد.

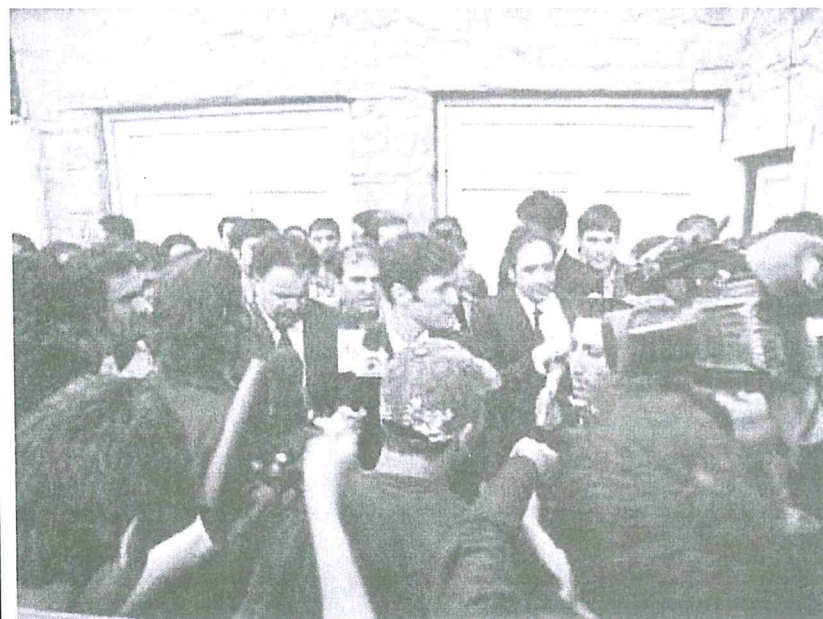


ایران به هر سه گروه مخالفین، اپوزیسیون و دولت مهربانی می کند تا با همدیگر بجنگند و انتقام تقسیم زن های صفوی توسط اشرف افغان را بگیرند.



ما نشریات آزاد از دولت می خواهیم که حاکمیت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را در دست

ما رسانه های آزاد و استقلال طلب از تمام فلم سازهای افغان می خواهیم جای دیشوم دیشوم و اکشن و فلم های مزخرف و خلاف عفت و اخلاق



گیرند و به هیچ اجنبی و دشمن اجازه دخالت در مسائل کشوری را ندهند.

نوکران ایران هر روز فلم های ایرانی را به نمایش می گذارند که در آن کشور مسلمان عراق توهین و تحقیر می شوند و چهار تنگداری ایرانی بغداد را

به این گونه فلم ها توجه بیشتر نماید و هر حرکت ناجوانمردانه کشورهای همسایه را به تصویر بکشند تا سندی باشد برای نسل های بعدی و مردم ما دوست و دشمن را از هم تفکیک نمایند.

نواندیش نواندیش

دوست داریم

جالب است اولین نامه یی است که بدست ما می رسد که در آن از یک مقام دولتی ابراز تشکر می شود و با زبان کودکان می گوید که دوست داریم.

این نامه نشان می دهد که حتی کودکان نیز از مسئولین مسئولیت پذیر استقبال کنند و با زبان بی زبانی از او سپاسگذاری نمایند و جالب اینجاست که هستند مسئولینی که حتی مسئولیت تربیت کودکان را دارند، ولی هیچ کودکی از او سپاسگذاری نمی نمایند و نمی گویند که دوست داریم و این مسئله نشان دهنده آن است که حتی کورهم می داند که دلده شورا است و حتی نمایان نیز در مقابل زیبا سازی شهر بی تفاوت نیستند با وجود اینکه دیده نمیتوانند و با گوش می شنوند و همین مردم است که حتی کورها را نیز از فعالیت های مثبت مسئولین با خبر می شوند و همین مردم است که با صدای بلند به گوش آنها می گوید که میدانی شهر زیبا شده است و زیبا می شود و زیبا خواهد شد.

بهر صورت کودکان یک خانواده دستجمعی نوشته اند که با نشان دادن صدها هزار اسلحه نهال حالا ما میتوانیم نفس بکشیم، آنها نوشته اند که از ایجاد پارک سبز در نزدیکی خانه و مناطق دیگر تشکر می کنند.

آینه روز از کودکان عزیزی که از شوال شهر کابل استقبال کرده است و نامه یی به ما فرستاده است تشکر می کند و به استقبال از این کودکان و نوجوانان عزیز که به دفتر ما نامه نوشتند عکس مقبول ایشان را به چاپ می رساند تا باشد که



دیگر کودکان و نوجوانان نیز از مسئولین دلسوز خود و از کسانی که آنها دوست دارند تشکر نمایند و این قدر دانی باعث می شود که بیشتر از این تلاش صورت گیرد و این کشور جنگ زده و ویران شده دوباره نفس بکشد و یک بار دیگر ما شاهد کابل و افغانستان سبز و زیبا باشیم و جهانیان با حسرت انگشت به دندان گیرند و در حیرت فرو روند.

قابل تذکر است که بعد از سی سال جنگ و خونریزی آقای نواندیش اولین شاروال است که توانسته است نسبت به دیگران بیشتر کار کند و در باز سازی کابل بیشتر سهم داشته باشد.

زیبا سازی، ایجاد پارک ها در سراسر کابل، قیرریزی سرک ها، ساخت بل های موتور و پل های عابر پیاده، جمع آوری کثافات، خرید موترهای جمع آوری کثافات، گذاشتن صندوق های کثافات در خیابان ها، ایجاد کانال ها، جویه کشی های شهر جهت هدایت آب، گذاشتن پل های آهنی روی جویچه های شهر جهت عبور موترها، زیبا سازی پیاده روها با سنگ فرش های زیبا و نهال شانی جهت سرسبزی کشور و... همه و همه دست آورد های شاروال جدید است گرچه مشکلات زیادی نیز دارد و خیلی از مسائل حل نشده باقی مانده است. اما بهر صورت نسبت به همه شاروالان کشور و کابل بهتر عمل نموده است و توانسته است جایگاه خوبی در افکار عمومی داخلی و خارجی پیدا کند.

ناگفته نماند که نشان هایی از طرف کشورهای مختلف و در کشور از طرف شورای ملی و مقامات دولتی و خصوصی دریافت نموده است که این حرکت ها به پاس بزرگداشت و ارج نهادن از خدمات یک مسئول دولتی است و همه با زبان بی زبانی می خواستند بگویند که هر مسئول کارکن از طرف مردم تشویق خواهد شد و مردم سپاسگذاری و ارج گذاشتن را فراموش نخواهند کرد.



صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سید داود یعقوبی
تحت نظر: هیئت تحریر
صفحه آرای: سید امید یعقوبی
آدرس: سینما بهارستان - سرک پنجم خانه پنجم دست راست
تلفن: ۰۷۸۶۴۰۹۶۸

چند ماهی است که کشور پاکستان مناطق مرزی را موشک باران میکنند و هزاران خانواده بی که در مناطق کنر و دیگر مناطق سرحدی زنده گی میکنند



از خانه و کاشانه خویش به مناطق امن پناه برده اند و این راکت باران با وجود حساسیت های شدید دولتی و غیردولتی و هشدارهای نیروهای مسلح افغانستان هنوز هم ادامه دارد.

معلوم نیست این راکت باران به چه هدفی صورت می گیرد و آنچه معلوم است این است که هیچ کشوری حق ندارد که بر حریم کشورهای دیگر تجاوز نماید و با استقلال سیاسی و حاکمیت ملی کشوری را زیر سوال برد.

بهر صورت شاید کشور پاکستان می خواهد ببیند که خارجی ها و هم پیمانهای افغانستان و جامعه جهانی حساسیت نشان می دهند یا نه و یا اینکه می خواهند یک بار دیگر بنگرند که حکومت افغانستان از خود حساسیت نشان میدهند یا نه و یا اینکه میدانند که دولت افغانستان در شرایطی نیست که بتواند از خود و حریم کشور در شرایط کنونی دفاع نمایند.

تعدادی می گویند که با این موشک باران می خواهند نیروهای مخالف دولت را در آن جا مستقر نمایند و تعدادی و دولت پاکستان خود عقیده دارد که از داخل افغانستان طالبان پاکستانی به کشورشان می روند و آنها بدین طریق نیروهای مخالف دولت خود را می کوبند.

این همه حرف ها و حدیث های است روی داده

حزب مشارکت و تظاهرات علیه کشور پاکستان

احمد ظاهر

پشتونستان و دیورند یگانه موضوعی که تا حالا در طول زنده گی دودولت هندو پاکستان حل نشده باقی مانده است و هنوز هم این موضوع ذهن

است و حرف هایی است که گفته می شود . اما حقیقت امر چیست ؟!



پاکستانی ها را نگران کرده است و در کنار این مسائل موضوع آب و موضوع نیرومندی نیروهای مسلح افغانستان و استقلال کشور بعد از سه دهه جنگ پاکستانی ها را نگران ساخته است و آنها نمی خواهند

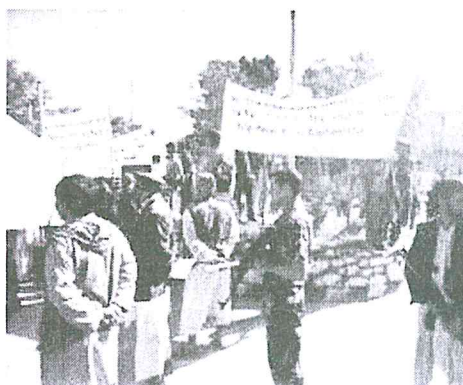
حقیقت امر این است که کشور پاکستان از روز استقلال سیاسی خود هم با جناح هند درگیری نظامی را راه اندازی کرد و هم با کشور افغانستان مناقشات خود را ادامه داد بخصوص مسئله

که در کشور ما ثبات و امنیت جای بی امنیتی و بی ثباتی را می گیرد و این موضوعی است که کشور همسایه را بیشتر نگران می کند . پاکستان در طول سه دهه جنگ جناح های ضد دولتی را مسلح کرد و تمام دولت های قبلی را به بحران کشاند و مشکلات جدی امنیتی برای آنان فراهم ساخت و این حرکت ها تا اندازه بی نتیجه داد . اما تا حالا با وجود کوشش و زحمت فراوان نتوانست مهره های اصلی خود را جایجا کند و در راس دولت قرار دهد . حالا با موشک باران مناطق مرزی می خواهد مشکلات دیگری را

پدید بیاورد . گرچه کشور ما به پاکستان و مجامع بین المللی شکایت کرده است و در کنفرانس ها می خواهد این موضوع را انعکاس دهد بخصوص در کنفرانس ترکیه روی این موضوع بیشتر دقت خواهد شد که شاید نتیجه مثبت دهد یا نه ؟!

اما حزب مشارکت اولین اعتراضات رسمی خود را از طریق سازمان دهی تظاهرات خیابانی به نمایش گذاشت و بدین طریق از حکومت پاکستان خواست که از بمباران مناطق مرزی دست بردارد و دیگر در امور داخلی کشور افغانستان دخالت نکند .

در تظاهرات حزب مشارکت که از پارک شهر نو شروع و در نزدیکی سفارت ایران و دفتر یونیمایان یافت قطع نامه بی صادر گردید و اعمال غیر قابل قبول و دخالت آشکار پاکستان تقبیح گردید و از جامعه بین المللی و سازمان ملل خواسته شد که دیگر کشور همسایه در



امور افغانستان دخالت نکند و دست از موشک بارانی بردارد و به خواست مردم افغانستان پاسخ مثبت دهد .

آسمان در اختیار ما نیست ؟!

ارضی ما را نگهبانی کنند .

ما باید دیپوهای ذخیره اسلحه داشته باشیم که با همسایه های شرور خود حداقل دو سه سال بتوانیم جنگ کنیم ، حریم هوایی ما باید به دست نیروهای پرتوان افغان باشد و ما صاحب بهترین پدافند هوایی و رادارهای خوب و طیاره های جنگی مدرن باشیم تا در صورت ضرورت از آن استفاده کنیم و همسایه ها نیز بدانند که وزارت دفاع وظیفه دفاع وطن را دارد و می تواند دفاع کند .

ما وزارت جنگ نداریم که جنگ را با کشورهای همسایه سازمان دهی کنیم اما کشورهای غرب و شرق و جامعه بین المللی می دانند که هر روز به خاک ما ایرانی ها و پاکستانی ها حمله می کنند و ما باید از خود دفاع کنیم و برای دفاع ما نیاز مبرم به اسلحه سنگین هوایی و زمینی داریم .

با وجود اینکه نمایشگاه جنگ افزارهای نظامی در کابل تعدادی از سلاح های روسی و غربی را به نمایش گذاشت اما نظامیان که در زمان حکومت های قبلی در اردوی ملی بودند اظهار نارضایتی می کنند و میگویند با کوشش های سرباز نمی توانند عملیات های نظامی را انجام دهند . جالب است اصطلاح کوش روسی به موثرهای سرباز زره گفته می شود که با یک نارنجک همه افراد خود را از دست می دهند و تمام سرنشینان آن که در داخل چهار دیواری موثر هستند کشته میشوند .

گرچه تعدادی اسلحه نظامی ، تانک ها و مین پال ها و ... به کشور ما داده شده است ، اما آنچه اساس یک اردو را تشکیل می دهد سلاح های دوربرد و پیشرفته است طور مثال اسکاد های روسی بهترین سلاحی بود که می توانست در آخرین نقطه افغانستان با آن عملیات صورت گیرد ، حالا ما اسکاد نمی خواهیم باید تمام نیروهای رزمی ما دارای اسلحه قابل قبول شوند .

ما نیروهای زیادی را جذب کردیم اما این نیروها با غولک و تفنگ صاحب کش نمی توانند امنیت ملی و تمامیت

این در حالی است که کشورهای غربی بخاطر ملاحظات که دارند نمی خواهند که طیاره ها مدرن را در اختیار ارتش افغانستان قرار دهند و این حرکت ناجوانمردانه شاید به دلیل اعتماد نداشتن به افغان ها باشند و یا چون روس ها دل شیر نداشته باشند که آسمان را در اختیار ما قرار دهند .

گرچه حتی یک بار هم نیروهای هوایی و نظامیان افغان در طول اشغال افغانستان بالای نیروهای شوروی عملیات هوایی سازمان داده نشد و روس ها اعتماد کامل به نیروهای تربیت شده خود داشتند .

اما این دوستان ما حتی به خود هم شک دارند و نمی خواهند پدافند هوایی و راکت های پیشرفته و اسلحه سنگین در دست افغانها دهند . حالا نمیدانیم این از ترس خودشان است که اسلحه صاحب کش و صاحب اسلحه مهمان کش نباشد و یا اینکه نمی خواهند در مقابل همسایه های خود نیرومند باشیم و حتی نمی خواهند که ما قدرت دفاع داشته باشیم . بهر صورت دیر یازود می فهمند که این کار باید شود و می شود؟! اما آنگاه کمی دیر است و کاربرد که اسلحه امروز برای ارتش افغان دارد فردا آن کاربرد را نخواهد داشت .

قابل توجه علاقمندان لیسه افغان ترک

لیسه عالی بین المللی نسوان افغان ترک برای سال ۱۳۹۰ در صنف هشتم شاگرد جدید می پذیرد ،
داخله جریان دارد ، تاریخ امتحان ۲۹ میزان سال ۱۳۹۰ ساعت هشت قبل از ظهر میباشد برای ثبت نام
دو قطعه عکس رنگه لازم است . شماره تماس : ۰۷۰۰۲۹۱۲۵۶